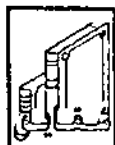


زُهَیْن را شَخْم بزن

نویسنده: هارگارت دیکنسن

مترجم: مریم مفتاحی



سرشناسه

: دیکینسن، مارگارت، ۱۹۴۲ - م.

Dickinson, Margaret

عنوان و نام پدیدآور

: زمین را شخم بزن / تالیف مارگرت دیکینسن؛ ترجمه مریم مفتاحی.

مشخصات نشر

: تهران: شقایق، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری

: ۶۳۲ ص.

شابک

: 978-964-216-047-1

وضعیت فهرست نویسی

: فیا

یادداشت

: عنوان اصلی: Plough the furrow, 1994.

موضوع

: داستان‌های انگلیسی -- قرن ۲۰ م

شماره انورده

: مفتاحی، مریم، ۱۳۴۳ مترجم

رده بنی کنگره

: PZ37/د۹۸۲۴۸۱۳۹۰

رده بنی دیویر

: ۸۷۳/۹۱۴

شماره کتابخانه ملی

: ۲۱۱۳۷۸۱



زمین را شخم بزن

نویسنده: مارگارت دیکینسن

مترجم: مریم مفتاحی

طراح جلد:

صفحه‌آرایی: موسسه فرهنگی و هنری طراحان ایماژ

چاپ اول: ۱۳۹۱

تیراژ: ۱۱۰۰

چاپ: بیک ایران

قیمت: ۱۸۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۶-۰۴۷-۱

خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - کوچه بهشت آیین - پلاک ۱۶

تلفن: ۶۶۴۰۳۲۹۹ - ۶۶۴۰۳۲۹۸ - ۶۶۴۰۱۷۷۲ - فاکس: ۶۶۴۹۶۶۹۲

www.shaghayeghbooks.com

www.shaghayeghbooks.ir

www.shaghayeghbooks.org

تقدیم به رکسانا سرمدی
که یسار و خاطره‌اش هرگز مرا رها نکرد،
به او که وقتی نوزده ساله بودیم گذاشت
و گذاشت.

رمان‌های «زمین را شخم بزن» «دانه را بکار» و «محصول را درو کن» به ترتیب ادامه‌ی هم می‌باشند. این سه رمان که قصه‌ی زندگی سه نسل - مادر بزرگ، مادر و نوه - را روایت می‌کنند از احساسات، آرزوها، ناکامی‌ها و البته عشق آن‌ها سخن می‌گویند و پا به پای راز آلودشان می‌گذرانند. در این سه داستان، نسل‌ها به مصاف هم می‌روند و تفکر کهنه و نو با هم می‌ستیزند. روند داستان‌ها به گونه‌ای است که خواننده‌ی مشتاق و کنجکاو، سردرگم رها نمی‌شود، بلکه همسفر با شخصیت‌های اصلی داستان جاده‌ی عمرشان را تا انتها می‌پیماید. رمان «زمین را شخم بزن» قصه‌ی زندگی «استر اورت»، رمان «دانه را بکار» قصه‌ی زندگی دختر او «کیت هیلتون» و «محصول را درو کن» قصه‌ی زندگی دختر «کیت» یعنی «الا» است. شاید یکی از مزایای این سه اثر همین توالی آن‌ها باشد، با این حال نحوه‌ی نگارش داستان‌ها به گونه‌ای است که هر یک از آن‌ها داستان مستقلی به حساب آمده و جدا از هم قابل خواندن و درک می‌باشند. رمان خواندنی و جذابی که اینک در پیش رو دارید قصه‌ی زندگی زنی است به نام «استر اورت». او نمادی است از نسل زنانی که با همه‌ی شایستگی‌های خود و علیرغم به دوش کشیدن بار سنگین زندگی، در طول تاریخ، جامعه‌ی مردسالار نه تنها سهم‌شان بلکه وجودشان را نیز به رسمیت نشناخت.

نویسنده با ظرافت و مهارت تمام، با تاباندن پرتو نور، زوایای تاریک جامعه را روشن می‌سازد و پرده از چهره و پیکره‌ی جامعه‌ی اروپایی بر می‌دارد. زمان و جغرافیای داستان نه به قرون وسطی بر می‌گردد و نه در جوامع عقب افتاده رخ می‌دهد، بلکه فرهنگ حاکم بر کشوری هم‌چون انگلستان را در یک قرن قبل نشان می‌دهد و «استر اورت» در چنین فضایی زندگی می‌کند. نگاه حقیرانه‌ی جامعه به او اجازه می‌دهد که با وجود توانایی‌های تحسین برانگیزی که دارا می‌باشد، خود را بیرون از خط و مرزهای جنسیتی که برایش کشیده شده، ببیند و باور کند.

«استر اورت» نمونه‌ای است از زنی شایسته، سخت‌کوش و زحمتکش که سال‌ها توانست مزرعه‌ای را اداره کند، اما وقتی در شرایطی قرار می‌گیرد که تقاضای اجازه‌ی مزرعه را از صاحب آن می‌کند، متأسفانه در می‌یابد طبق قوانین نمی‌تواند مزرعه را اجاره کند، چرا؟ چون یک زن است! باید شوهری می‌داشت تا اجازه‌نامه به اسم مردی نوشته می‌شد. جامعه‌ی اروپایی تا همین چند دهه قبل برای زن هویت و ارزشی قائل نبود که بخواهد ملکی را به او اجازه دهد!

رمان «زمین را شخم بزن» واقعیت بزرگی را بر ملا می‌سازد، اگر امروز دنیای غرب پرچم‌دار برابری و آزادی زنان است، تا همین چند دهه قبل تمام تلاش خود را کرد تا زن را سرکوب کند و وابسته به مرد نگه دارد. اما از آن‌جایی که روند زندگی از حرکت باز نمی‌ماند و زمانه‌ساز خود را می‌نوازد، با وقوع جنگ جهانی اول و به دنبال آن جنگ دوم، جامعه مدرسه‌سالار به خود آمد و دریافت بدون همراهی زن ره به جایی نخواهد برد. جامعه آن‌گاه که به نیمه‌ی محکوم خویش محتاج شد، از سرناچاری لحن و چهره‌ی دوستانه به خود گرفت و به هویت و وجود زن نیم‌نگاهی انداخت.

جنگ‌ها همیشه خاتمان‌سوز و ویران‌کننده هستند، صدمات اقتصادی و روحی که با خود همراه می‌آورند بر کسی پوشیده نیست. جامعه‌ای که درگیر جنگ می‌شود به زمانی نیاز دارد تا بتواند بار دیگر خود بیابد و عواقب آن را از پیکره‌ی خود بزداید، گاهی اوقات پیامد جنگ‌ها نسل‌های بعد را هم درگیر خود می‌کند. اما جنگ‌ها با همه‌ی بدبختی‌ها و مصیبت‌هایی که بر نوع بشر تحمیل می‌کنند،

روشنگری‌ها و پیشرفت‌هایی نیز با خود به ارمغان می‌آورند. جنگ زمانه را تغییر داده و تحولاتی را ایجاد می‌کند که اغلب به سود انسان‌هاست.

در طول جنگ‌های اول و دوم جهانی، زنان اروپایی آن‌چنان لیاقتی از خود نشان دادند و پا به پای مردان در تمام عرصه‌های زندگی جنگیدند که توانستند به حاکم ثابت کنند نه تنها کم‌تر از مردان نیستند، بلکه شاید از جنبه‌هایی برتر از آنها نیز باشند. این‌جا بود که قوانین مرد مدار از خود انعطاف نشان داد، مهربانی پیشه کرد و حقوق زنان را به رسمیت شناخت. بعد از پایان جنگ، زنان که به بخشی از حقوق انکار شده‌ی خود رسیدند، این امکان را یافتند که ملکی را به اجاره خود در آورند، بدون این‌که نیازی به وجود شوهر، پدر و یا برادر داشته باشند.

آن‌چه اروپای امروزی و دنیای غرب به آن رسیده است، راحت به دست نیامد. بی‌شک نتیجه‌ی جهادها و تلاش‌های زنانی است که خود و جنس خود را باور داشته‌اند.

نویسنده‌ی این رمان‌ها خانم «مارگارت دیکینسن» متولد «لینکلن شایر» انگلستان است. در سن هفت سالگی به همراه خانواده‌اش به کنار دریا نقل مکان کرد و از آن زمان عاشق دریا و مناظر طبیعی و بسیار زیبایی «لینکلن شایر» شد. خیلی زود عشق به نویسندگی در او بروز کرد و در نتیجه در سن بیست و پنج سالگی اولین رمان خود را منتشر ساخت.

خانم «دیکینسن» با شناخت کامل از جامعه، جهان مآرانه خلق و خو و سنت‌های حاکم بر فرهنگ آن دوران انگلستان را به خواننده‌ی خود می‌شناساند و چنان به روشنی آداب و شیوه‌ی زندگی آن‌ها و قوانین نانوشته‌ی جامعه را ترسیم می‌کند که خواننده با خواندن آن احساس می‌کند خود در چنین جامعه‌ای زیسته است. ادامه‌ی قصه‌ی زندگی «استر اورت» را در «دانه را بکار» بخوانید و ادامه‌ی آن را هم در «محصول را درو کن».